

مقایسه ی جهانی شدن از دیدگاه اسلام و غرب

مریم یاری^۱

چکیده

یکی از مولفه‌های موثر بر کیفیت زندگی بشر، یکدستی و هماهنگی آحاد کشورها و به عبارتی جهانی شدن است. این امر هم توسط غرب به طور سازمان یافته دنبال شده و هم اسلام برای زندگی متعالی بشر در آخرالزمان برنامه ریزی کرده است. پرسش این است که جهانی شدن از دیدگاه این دو، چه تفاوت‌ها و اشتراکاتی در مبانی و راهبردها دارند و هر کدام چه اثری بر زندگی انسان‌ها میگذارند. در این تحقیق توصیفی دریافت شد که اهداف جهانی سازی غربی سلطه و نفوذ بر کشورهای زیردست و استثمار آنها به نفع خود است و اهداف اسلام شامل برپایی عدالت، حفظ کرامت انسانی در کنار حفظ تفاوت ملل‌ها و درنهایت ایجاد صلح میان کشورها است. با توجه به اهداف آنان میتوان تصور کرد جهان به چه صورت خواهد بود. این مقاله در صدد مقایسه جهانی سازی از نگاه اسلام و غرب، و بیان اثر هر کدام بر زندگی بشر است.

کلید واژه‌ها: جهانی شدن، جهانی سازی، حکومت موعود، حکومت جهانی حضرت مهدی (عج).

^۱ طلبه سطح ۲، حوزه حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)، clmy.۷۸۹۹@gmail.com

مقدمه

جهانی شدن یا گلوبالیسم^۱ اصطلاحی است که از اوایل دهه ۶۰ میلادی مطرح شد و فرآیندی اجتماعی است به منظور حذف قید و بندهای جغرافیایی موثر بر روابط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی میان کشورها به گونه ای که بتوان آنها را یک نظام واحد دانست.

تاریخچه جهانی شدن منحصر به تاریخ رواج اصطلاح آن نیست و رویکردی است که قدمت آن به بشریت برمیگردد و تمامی ادیان الهی از جمله اسلام درصدد ایجاد یک حکومت واحد جهانی و به عبارت بهتر ایجاد یک امت یگانه (امه واحده) بوده اند.

اما باید دید جهانی شدن یا جهانی سازی به شیوه ای که اکنون در جهان پیش برده می شود و منشا آن غرب است با رویکرد اسلام در ایجاد یک حکومت جهانی و امت یگانه تناسب دارد؟

ادیان الهی از جمله اسلام با هدف به سعادت رساندن بشریت از جانب خداوند به واسطه پیامبران به انسان ها ابلاغ شدند و ضرورت مقایسه ی رویکرد کنونی جهان در قبال جهانی سازی با اسلام به منظور اطمینان از درستی مسیر و جلوگیری از خطاها و اشتباهات احتمالی است.

در مقالات متعددی چون شیعه و جهانی شدن نوشته علی اصغر سلطانی هروی به ماهیت، مولفه ها، ظرفیت ها و نقاط قوت و ضعف جهانی سازی غربی در مقایسه با مهدویت شیعی پرداخته شده است و همچنین در مقاله مقایسه جهانی شدن اسلامی و غربی نوشته سید مهدی سیدیان، سعی شده است مبانی، اهداف، اصول و راهبردهای جهانی شدن را میان اسلام و غرب مقایسه کند. در کتاب جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج الله) نوشته حبیب الله طاهری به تاریخچه و دلایل موافقان و مخالفان جهانی شدن پرداخته و آن را با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج الله) مقایسه کرده است.

این مقاله در صدد است مفهوم و رویکرد جهانی شدن، اهداف، زمینه ها و آثار و ابزارهای رسیدن به این هدف را در رویکرد غربی با اسلام به وسیله مفاهیم دینی، آیات و روایات میان غرب و اسلام مقایسه کند.

^۱ Globalism

مفهوم شناسی جهانی شدن:

جهانی شدن

از آن جا که نسبت به شناخت پدیده جهانی شدن و تعریف و توصیف آن هنوز وحدت نظری وجود ندارد و از طرفی در تمامی حوزه‌های سیاست فرهنگ اقتصاد روندهای متضاد مشاهده می‌شود دست یافتن به تعریفی جامع با مشکل روبروست لذا جهانی شدن یک مفهوم پارادیسیکال و مناقشه بر دار است که تعاریف و تعبیر مختلفی از آن شده‌است. برخی نیز از منظر فرهنگی به تعریف این پدیده پرداخته و جهانی شدن را یکسان‌سازی فرهنگ‌ها می‌دانند به اعتقاد کلمن جیمز جهانی شدن با سنت زدایی از فرهنگ و برقرار کردن حکومت بین‌المللی رسانه‌ها زمینه را برای یکسان‌سازی جوامع و فرهنگ‌ها به وجود آورد. از نظر وی انسان در عصر جهانی شدن فاقد هر نوع هویت ملی و بومی است و به مفاهیمی معتقد می‌شود که ریشه در سنن ندارد. لذا به نظر آنتونی گیدنز جهانی شدن شامل تراکم دنیا به عنوان یک کل و از طرف دیگر افزایش سریع در اجماع و پایه‌گذاری فرهنگ جهانی است. دنیز گلد معتقد است تلاش در یکسان‌سازی به عنوان هدف در جهان شدن نتیجه معکوس فرهنگی ببار می‌آورد. گروهی واژه جهانی شدن می‌پسندند و می‌گویند جهانی شدن یعنی به استقبال دیگر فرهنگ‌ها رفتن و به دیگر فرهنگ‌ها احترام گذاشتن و برای نظرات دیگران ارزش قائل شده‌است. در حقیقت جهانی‌سازی یک نظریه است مانند مارکسیسم و لیبرالیسم و ... معمولاً غربی‌ها برای اینکه بتواند سلطه خود را در قالب آن تئوری‌ها تأمین کنند و به آن‌ها عینیت بخشند از بخشی از واقعیت‌های موجود استفاده می‌کند لذا جوان‌سازی یک سیاست و ایدئولوژی است که جهان غرب به معنای بهره‌برداری از واقعیت جهانی شدن در تداوم سلطه خود استفاده می‌کنند نتیجه آن ادغام بازارها و فرهنگ‌های ملی به سود بازارها فرهنگ‌های برتر جهانی است و حاصل آن فقر اقتصادی و فرهنگی برای کشورهای ضعیف جهان خواهد بود.^۱

جهانی شدن یعنی ره سپردن تمامی جوامع به سوی جهانی وحدت یافته که در آن، همه چیز در سطح جهانی مطرح و نگریده می‌شود. در حقیقت، جهانی شدن، به معنای آزادی مطلق کسب و کار، برداشته

^۱ باقی نصر آبادی، جهانی شدن فرهنگ و پیامدهای آن، ص ۳

شدن تمامی موانع از سر راه، جریان یافتن سهل و ساده ی سرمایه و نفوذ آن در تمامی عرصه ها، حرکت روان اطلاعات و امور مالیه و خدمات، تداخل فرهنگ ها آن هم به سوی یک سان شدگی و یکدستی است.^۱

جهانی شدن پدیده ای چند بعدی است، از این رو، اقتصاد، سیاست و فرهنگ را در بر می گیرد و با تحقق آن، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم رنگ می شود. کشورها نقش گذشته خود را از دست می دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین المللی بر کشورها حاکم می گردد.^۲

«جهانی شدن» در زبان فارسی، برابر با واژه Globalization بکار رفته است. Globalization، اسم مصدر از مصدر جعلی to globalize است که خود از صفت global ساخته شده است. در فرهنگ های زبان، برای این صفت، از سه معنا یاد شده است: ۱- گرد، مثل توپ یا کره ۲- گفتمان های دربرگیرنده کره زمین و اصولاً سراسر جهان ۳- کلی یا جهان شمول. مصدر to globalize با نگاه به معنی سوم ساخته شد است.

به هر روی، از آن جا که جهانی گرایی، جهان گستری یا جهانی شدن؛ جملگی دلالت بر دگرگونی های همه جانبه در همه زمینه های جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد؛ هر پژوهشگری، به جهانی شدن از دیدگاهی ویژه می نگرد و از این نگاه است که تعریفی ویژه از جهانی شدن به دست می دهد.^۳

ماهیت جهانی شدن:

سوال اساسی و قابل دقت، این است که اساساً «جهانی شدن» یک «پروژه» است یا «پروژه» یا ... ؟ به دیگر سخن، این جریان، فقط برآیند قهری فرایند تاریخی است که خواه ناخواه، رخ می دهد و در پس آن، تدبیری ننهفته و درپی آن غایت و غرضی ننشسته، یا پروژه و ترفندی است که احیاناً قدرت های سیاسی و اقتصادی در ورائی آن می خواهند ایدئولوژی خاصی را بر جهان حاکم کنند و از آن، غایتی را تعقیب می نمایند؟ به طور کلی، دو دیدگاه با سه رویکرد متفاوت، پیرامون ماهیت جهانی شدن وجود دارد:

۱ طاهری، جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عج الله)، ص ۴.

۲ شیرودی، تاریخ و مبانی فکری و فلسفی جهانی سازی غرب، آمریکا و اسلام، ص ۸۶.

۳ رهبری، تاثیر جهانی شدن بر امنیت کشورها، ص ۹۵ و ۹۶

الف) پروسه نگری

اولین دیدگاه در مسئله جهانی شدن، نگاه پروسه بودن آن است. طرفداران این دیدگاه، به موضوع «جهانی شدن» با نگاه مثبت می‌نگرند و آن را، یک فرایند طبیعی رو به تکامل جامعه بشری می‌دانند. از نظر آنان، این روند، یک سیر طبیعی و قهری است که خارج از اختیار و انتخاب افراد است. در این روند، کشورها و ملت‌ها -به تدریج- بسوی هم‌گرایی و وحدت قطب‌ها و تمرکز تصمیم‌گیری‌ها به پیش می‌روند. سرعت تحولات در این روند از یک‌سو، تنوع نیازها و گستردگی حوزه تعاملات اجتماعی از سوی دیگر و رشد تکنولوژی و صنعت از جانب سوم، همه و همه، چنین رویکردی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید به گونه‌ای که حرکت برخلاف آن یا نادیده انگاشتن آن، به معنای حرکت برخلاف مسیر آب و مساوی با شکست تلقی می‌شود.

طبق این برداشت، «جهانی شدن» یک روند تدریجی، دارای فرایند تاریخی است که سیر تحولات صنعتی و شهرنشینی و نیز، پیشرفت تمدن رو به آینده، پیامدهای گریزناپذیر خود را در پهنه حیات انسانی برجای خواهد گذارد و در نتیجه، همه فاصله‌ها و دیوارها و مرزهای جغرافیایی، زبانی، نژادی و... خواسته یا ناخواسته برچیده خواهد شد.

ب) پروژه نگری

دیدگاه دوم نسبت به مسئله جهانی شدن، نگاه بدبینانه است که طرفداران این نظریه، دست کم درباره اهداف طراحان این بحث، با بدگمانی می‌نگرند. این عده، بحث جهانی شدن را طرحی سیاسی می‌دانند که به صورت ب برنامه سازمان‌یافته و غیرعلنی، از سوی اراده‌های پنهانی قدرت‌های سلطه، برای اهداف استعماری در سطح جهانی طراحی شده است. از نظر آنان، این بحث، ماهیتاً ساختگی است که راهبرد اعلام نشده‌ی قدرت‌های بزرگ، در ورای آن، نهفته است.

مطرح کنندگان این دیدگاه بر این باورند که: این واقعه، قهری نیست؛ بلکه پروژه و ترفندی سنجیده و تدبیر شده است. این گروه می‌گویند: اصولاً ماهیت این واقعه، منفی، تحمیلی و اراده قدرت‌های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک در پس این جریان نهفته است. براساس این تحلیل، در ظاهر، آن‌چه مطرح می‌شود، صحبت از یکپارچگی جهانی و سهولت تعامل و ارتباطات است؛ ولی درواقع مسئله، این است این است که این موضوع پوششی، برای اجرایی شدن برنامه «جهانی‌سازی» با هدف «آمریکایی‌سازی». یا دست کم

امام صادق (علیه السلام) در روایتی می‌فرمایند: در زمان قائم (عج) مؤمنی که در شرق است، برادر خود را که در مغرب است، خواهد دید و نیز مؤمنی که در مغرب است، برادر خویش را در شرق می‌بیند.^۱ همچنین آن حضرت در بیان رمزی دیگری می‌فرمایند: زمانی که قائم (عج) ظهور کند، خداوند گوش‌ها و چشمان شیعیان ما را به گونه‌ای تقویت می‌کند که میان آنان و قائم (عج) نیازی به پیک نیست. آن حضرت با آنان سخن می‌گوید و آن‌ها سخن او را می‌شنوند و درحالی که وی در جایگاه خویش قرار دارد او را می‌بینند.^۲ هرچند در چنین تعبیری از ائمه معصومین (علیه السلام)، احتمال اعجاز در عصر ظهور و طریق غیرعادی ارتباطی وجود دارد و نمی‌توان آن را ناممکن دانست؛ اما با توجه به سنت الهی در جریان امور طبق اسباب خویش به نظر می‌رسد چنین تعبیری بیشتر به بعد ارتباطی ناظر است که حداقل چشم‌اندازی از آن برای ما در عصر فناوری ارتباطات حاصل شده است.^۳

حاکمیت نیکوکاران و صالحان

آیات و روایات بیانگر این است که جهان آینده از آن صالحان و مؤمنان و پرهیزکاران بود و پاک‌کن بر جهان حاکم خواهند بود و دین الهی توسط آنان جهانی شد و گسترش می‌یابد و ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر إن الأرض یرثها عبادی الصالحون انبیا آیهی صد و پنج همانا در کتاب زبور داود نوشتیم که و همانا این بندگان صالح هستند که بر جهان حاکم خواهند شد سوره نور آیه پنجاه و پنج خداوند به مؤمنین و صالحین وعده داده است که هرآینه در زمین به جانشینی و استخلاف می‌رسند هم چنان که قبل از آن‌ها به خلافت رسیدن و هرآینه دینی که مورد پسند آنان می‌باشد و حاکمیت اصالت و وضعیت آنان بعد از ترس و وحشت به امن و آرامش تبدیل گردد و به خدا شرک نورزند زندگی مسالمت‌آمیز و به رسمیت شناختن دیگر فرهنگ‌ها در آموزه‌های فرهنگی وجود گروه‌ها و قبایل دیگر به رسمیت شناخته می‌شود و تنوع فرهنگی و قومی و مذهبی مورد قبول بوده و در زمان حاکمیت فرهنگ علوی همه در سایه اسلام زندگی مسالمت‌آمیز خواهند داشت سوره الحجرات آیه سیزده این من و ما شما را نخست از

^۱ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲: ۳۳۶.

^۲ همان.

^۳ ملکی و امیدی پور، فرهنگ مهدویت و جهانی شدن، ص ۴۵

مرد و زنی آفریدیم آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست.

اختیاری بودن

در دوره حاکمیت فرهنگ علوی و جهان‌شمولی و استقرار آن در سراسر جهان ورود پیروان سایر ادیان به آیین اسلام اجباری نخواهد بود بلکه همسان دوره رسالت رسول خدا آزاد و اختیاری خواهد بود و با پرداخت مالیات جزیه از خدمات دور ما و حکومت اسلامی بهره خواهند برد و الزام و اجبار و جنگ حضرت مهدی عج به آنان با آنان خواهد بود که یا در دین توحیدی نباشد و یا این که باید علیه حاکمیت اسلام قیام کرده و شمشیر بکشند و بر حدود الهی تجاوز کرده و حقوق الهی را ضایع نماید ثبات در قوانین و مقررات باوجود گستردگی آموزه‌های فرهنگ علوی در عصر جهانی این آموزه‌ها تابع موقعیت جغرافیایی و وضعیت‌های پیش‌آمده نخواهد بود هیچ حلال و حرام یا حرامی به حلال به‌خاطر شرایط و موقعیت‌ها تبدیل نخواهد شد مگر این که حکم ثانوی پیدا کنند.^۱

^۱ بابایی طلا تپه، جهانی شدن در فرهنگ علوی، ص ۱۶

نتیجه گیری:

جهانی شدن، آرمان و هدفی است که بشر همیشه به دنبال آن بوده و ادیان الهی از جمله اسلام برای رسیدن به آن وعده و راهکار داده اند. اما جهانی سازی به شیوه کنونی که در جهان پیاده میشود هدفی جز سلطه بیشتر بر کشورهای ضعیف و استعمار ندارد و از ابزارهایی چون سازمان های جهانی، رسانه، تروریسم و... برای نیل به این اهداف استفاده میکنند. اما جهانی شدن بر اساس فرهنگ مهدویت اسلامی با هرگونه سلطه گرایی، استثمارگری، بی عدالتی و تبعیض و نابرابری مخالف است و فرهنگ مهدویت اسلامی را که موافق گرایش های فطری و عقلانیت و ارزش های انسانی است بر خلاف نظام سلطه که الگوهای خود اجبارا بر سایر فرهنگ ها و جوامع برای سلطه بیشتر تحمیل میکنند، با آزادی و انتخاب آگاهانه پیش می برد. در نهایت ما باید در مقابل جهانی شدن استکباری و شیطانی، جهانی شدن الهی را تبلیغ و ترویج نماییم و آن چیزی جز حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) نیست که با وقوع یک انقلاب عظیم اخلاقی رخ میدهد و موجب تکامل اندیشه ها و عقل انسان و بهبود ارتباط او با خداوند، از بین بردن ظلم و ستم در جهان و ایجاد وحدت بین جوامع می شود و سرانجام صلح، امنیت و عدالت را برای جهان به ارمغان می آورد.

فهرست منابع:

- ۱- انصاریان، حسین، *قرآن کریم، تهران، سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۳۹۳.
- ۲- بابایی طلاتپه، محمد باقر، «جهانی شدن در فرهنگ علوی»، مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، دوره ۳، شماره ۶، سال ۱۳۹۱.
- ۳- باقی نصرآبادی، علی، «جهانی شدن در فرهنگ و پیامدهای آن»، فصلنامه پیام، شماره ۹۱.
- ۴- رواسانی، شاپور، «بن لادن و طالبان هم ابزارهای جهانی سازی بودند»، گزارش، شماره ۲۹، آذر ۱۳۸۰.
- ۵- رهبری، مهدی، «تاثیر جهانی شدن بر امنیت ملی کشورها»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۶۸، ۱۳۸۸.
- ۶- ساداتی نژاد، سید مهدی، «اسلام و جهانی شدن، ترابط یا تباین»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷.
- ۷- سلطانی هروی، علی اصغر، «شیعه و جهانی شدن»، سفیر، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۹۰.
- ۸- سیدیان، سید مهدی، «مقایسه جهانی شدن اسلامی و غربی»، معرفت، شماره ۲۰۰، مرداد ۱۳۹۳.
- ۹- شیروودی، مرتضی، «تاریخ و مبانی فکری و فلسفی جهانی سازی غرب، آمریکا و اسلام»، نشریه مطالعات منطقه ای، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۸۲.
- ۱۰- طاهری، ابوالقاسم، «فناوری ارتباطی و اطلاعاتی؛ جهانی شدن و پیامدهای سیاسی آن»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۸، ۱۳۸۱.
- ۱۱- طاهری، حبیب الله، جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه شریف)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، کتاب دیجیتالی، شماره دیجیتال ۴۳۴۹.
- ۱۲- قنبری، آیت، «جهانی شدن و پیامدهای آن»، مریان، شماره ۲، سال اول.
- ۱۳- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفا.

۱۴- ملکی ، سعید؛ امیدی پور، مرتضی، «فرهنگ مهدویت و جهانی شدن»، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۹۲.